

ادامه از صفحه اول

نقد و بررسی طرح صیانت

۳- در ماده ۱۲ طرح پیشنهادی صندوقی برای حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی و محتوای مرتبط تأسیس می‌شود که فی‌نفسه مثبت است. هرچند ساختار رانتی مضاعفی که در این حوزه برای نورچشمی‌های خودی فراهم شده است، ما را نگران می‌کند؛ اما اگر اصل را بر نگاه مثبت بگذاریم و تجربه‌های موفق غیررانتی را هم در نظر بگیریم، می‌توان گفت که محل هزینه‌کرد منابع این صندوق همگی مثبت است که شامل این موارد می‌شود: «توسعه خدمات پایه کاربردی داخلی؛ فرهنگ‌سازی و آموزش سواد فضای مجازی؛ به کاربران؛ نظارت و گزارش‌دهی مردمی و حاکمیتی بر خدمات پایه کاربردی؛ حمایت از توسعه ابزارهای سالم‌سازی و صیانت فرهنگی؛ فراهم‌سازی خدمات سالم به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان؛ حمایت از تولید و انتشار محتوای بومی مبتنی بر فرهنگ ایرانی- اسلامی؛ حمایت از راهکارهای ام‌ور بوده‌اند که متأخرترین مجازی». پیش‌ازاین تجربه کشور در صندوق‌های مشابه در قوه مجریه واجد دستوردهای مثبت و ارزشمندی بوده است.

۴- البته موارد مثبت دیگری نیز وجود دارد که به اختصار شامل موارد ذیل می‌شود: فراهم‌کردن تمهیدات لازم برای پیشگیری از شناسایی و مقابله با جرم در فضای مجازی. حفاظت از خانواده و کودک و ...

۵- براساس ماده ۷ «مرزبانی فضای مجازی و دفاع سایبری از کشور و جلوگیری از بهره‌برداری غیرمجاز از داده‌ها در گذرگاه‌های مرزی، با مسئولیت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌گیرد» و دستگاه‌های مربوطه «موظف به انجام دستورات ستاد کل نیروهای مسلح در موارد موضوع این ماده هستند». در متن این ماده دو بار واژه «مرز» به کار رفته است با مسئولیت مرزهای زمینی، هوایی و دریایی که به‌طور طبیعی با نیروهای مسلح است، به مفهوم مجازی و سایبری آن تعمیم داده شود. اولاً، نیروهای مسلح تخصص ویژه‌ای در این زمینه ندارند و صلاحیت فنی آنان تأمل‌برانگیز است. ثانیاً، اگر مبنای همین استدلال را بپذیریم، باید حفاظت از مرزهای ویروس‌دام و طيور و محصولات کشاورزی، مرزهای سلامت، مرزهای سیاست خارجی، مرزهای فرهنگی و... را هم از وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی، از وزارت بهداشت، از وزارت ارشاد، از وزارت خارجه و... بستانیم و به ستاد کل نیروهای مسلح بسپاریم؛ چون نیروهای مسلح مسئولیت همه انواع «مرز»‌ها را برعهده دارد. چنین حکمی سیطره نگاه امنیتی را حاکم می‌کند و تردید و بی‌اعتمادی را در میان مردم دامن می‌زند. به هر حال فناوری‌ها آن‌قدر پیشرفت می‌کنند که کاربران بتوانند بسیاری از محدودیت‌ها را دور بزنند و برخی ثبات ممنوعیت‌جویان و نق‌نقش‌طلبان را ناکام بگذارند. تنها چیزی که باقی می‌ماند، حس بی‌اعتمادی و عدم دستیابی به اهداف مثبت این طرح است.

۶- براساس بند ۲ ماده ۲۴ «حراز هویت معتبر کاربران و حفظ اطلاعات کاربران مطابق تعهدات و قوانین موضوعه» از سوی ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی اجباری می‌شود. این به آن معناست که هرکس که بخواهد از پیام‌رسان‌ها استفاده کند و حتی وارد فضای مجازی شود، باید احراز هویت شود. مفهوم معادل این قانون در فضای حقیقی این است که اگر شما از هر کوجه و خیابانی بخواهید رد شوید، باید ابتدا احراز هویت شوید و مثلاً کارت ملی خود را به گردن بیاویزید یا اینکه اگر بخواهید روزنامه‌ای یا کتابی بخوانید، باید ابتدا کارت شناسایی خود را نشان دهید تا معلوم باشد که چه چیزی می‌خوانید. البته اگر دامنه این اجبار تنها به کاربرانی که قصد خرید و فروش در «بیت‌کرم»‌هایی مانند دیجی‌کالا، دیوار، اسنپ و... باشند، از حیث پرداخت مالیات و فراهم‌کردن زمینه برای عدم ضرر و زیان طرفین معامله مناسب است؛ اما این بند گستره وسیعی را شامل می‌شود که مغایر حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان است. فضای مجازی امکان دسترسی به داده‌های شهروندان را محقق کرده است؛ ازاین‌رو نق‌نقش عقاید، استراق سمع و تجسس، موضوع اصول بیست‌وسوم و بیست‌ونهم قانون اساسی، از طریق پایش «سایبری» تحصیل حاصل است. به این شکل اعمال اجباری احراز هویت مجازی مخالف با روح این دو اصل از قانون اساسی خواهد بود.

۷- براساس تبصره ۱ ماده ۲۳ «عرضه سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند تولید داخل فاقد خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی دارای مجوز ممنوع است و مشمول مجازات عرضه خارج از شبکه می‌شود». این تبصره نیازمند شفاف‌سازی بیشتر است تا مانع ناواری در تولیدات داخلی نشود. با این بیان احتمال مانع‌تراشی، به‌ویژه برای ناواری‌های هوش مصنوعی، بسیار زیاد است. متن ماده نیز که «واردات تجهیزات الکترونیکی و هوشمند که خدمات پایه کاربردی خارجی فاقد مجوز را به‌ صورت پیش‌فرض نصب کرده‌اند یا امکان نصب پیش‌فرض خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی دارای مجوز را نداشته باشند، ممنوع» شده است، می‌تواند با توجه به ناشناخته‌بودن دامنه آن معضلات عیدیه‌ای را برای توسعه صنعت فساوا و تولیدات و ناواری‌های داخلی پدید آورد. فناوری‌های هوش مصنوعی برای کشور بسیار مهم و حیاتی است. چنین فناوری‌هایی در سایه نگاه حراستی با موانع فراوانی مواجه بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۴

یکشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۰

مهرشاد ایمانی:

سابقه‌ای بسیار طولانی دارد تا حدی که برخی میرزا محمّدتقی‌خان قراقرانی یا همان امیرکبیر را پیشگام اصلاحات در ایران می‌دانند؛ اما همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند که نهضت مشروطه، نقطه عطفی در مسیر اصلاحاتِ ایران محسوب می‌شود؛ چه در ابعاد نظری با محوریت مقیدکردن قدرت و چه در حوزه مطالبات اجرایی که بیشتر بر بحث توسعه تمرکز داشت؛ به بیان دیگر در تاریخ معاصر هیچ‌گاه نبوده است که اصلاحات در متن و بطن سیاست‌ورزی در ایران وجود نداشته باشد و مردم نیز در ادوار مختلف و به نحای گوناگون خواستار اصلاح دموکراتیک امور بوده‌اند که متأخرترین آن پیدایی جنبش اصلاحات در میانه دهه ۷۰ و با روی‌کارآمدن دولت سیدمحمد خاتمی است. اصلاح‌طلبان در گذر این ۲۴ سال توانستند تحولات مهمی را در مناسبات سیاسی به وجود آورند؛ اما شاید مهم‌تر از همه اینها جلب اعتماد عمومی اکثریت ملت باشد؛ اصلاح‌طلبان بیش از دو دهه نمایندگی بخش کثیری از مردم را برعهده داشتند و توانستند موج‌های اجتماعی مهمی را به وجود آورند؛ اما گویا وضعیت جبهه اصلاحات در شرایط کنونی دیگر مانند سابق نیست و اصلاح‌طلبان درگیر مشکلات عیدیه‌ای شده‌اند و مردم نیز برخلاف گذشته از مقوله سیاست‌ورزی فاصله گرفته‌اند و به‌نوعی دلزدگی سیاسی بر آنها عارض شده که نخستین ترکش چنین شرایطی بر پیکره جبهه اصلاحات وارد آمده است؛ زیرا اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه بدون میل مردم برای مشارکت سیاسی عملا کاری از پیش نبرده‌اند. به تعبیر دیگر اصلاح‌طلبان از یک سو با کاهش شدید سرمایه اجتماعی خود مواجه‌اند و از سوی دیگر مسیر سیاست‌ورزی برای آن‌ها چندان ساده نیست و محدودیت‌های بسیاری در ورودشان به قدرت رسمی دیده می‌شود. حالا چند پرسش به وجود می‌آید؛ اولاً جبهه اصلاحات چگونه می‌تواند بار دیگر اعتماد عمومی را به دست آورد. ثانیاً اصلاح‌طلبان باید یا چه گفتمانی با مردم دردمند امروزی سخن بگویند، ثالثاً مسیر ورود دوباره به قدرت سیاسی چگونه هموار می‌شود و در نهایت اگر همه اینها محقق نشد و اصلاحات نتوانست بار دیگر جای خود را در سیاست عمومی و رسمی باز کند، فردای اصلاحات چگونه روزی است؟ برای بررسی تمام این مسائل چگونگی آن را آذر منصوری سخنگوی جبهه اصلاحات ایران و قائم‌مقام حزب اتحاد ملت، به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

۱ شرایط اصلاح‌طلبان بعد از دو انتخابات اخیر

مجلس و ریاست‌جمهوری قدری پیچیده به نظر می‌رسد؛ از یک سو به نظر می‌رسد که مسیری‌های سیاسی برای ظهور دوباره اصلاح‌طلبان در عالم سیاست رسمی پرمانع است و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی جبهه اصلاحات کاهش یافته است. در شرایط کنونی وضعیت جبهه اصلاحات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

آنچه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ رخ داد و جایگاهی که از نهاد انتخاباتی نزد مردم به تصویر کشیده شد، زمینه مخدوش‌شدن انتخابات در میان بخش‌هایی از مردم را فراهم کرد؛ به نحوی که سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان میان آنچه برگزارکنندگان انتخابات انجام دادند، با مطالبات خود، پیوند معناداری ندیدند. به هر حال محدودکردن دایره انتخاب مردم و ایجاد محدودیت برای سیاست‌ورزی انتخابات‌محور وضعیت‌ی را به وجود آورد که مردم میلی به شرکت در انتخابات نداشتند. در این شرایط قاعده‌ت اصلاح‌طلبان باید بر برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی تأکید کنند تا در آینده انتخابات معنای واقعی خود را به دست آورد و مردم هم احساس کنند رای دادن یا ندادن هرکدام می‌تواند تأثیرات خود را در زندگی‌شان بگذارد. در غیراین‌صورت و در صورت ادامه شیوه‌ای که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بر پیش گرفته شد، ناامیدی مردم از امر سیاست‌ورزی بیشتر می‌شود. اصلاح‌طلبان در مقطع کنونی باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا بر سیاست‌ها و شیوه حکمرانی تأثیرگذار باشند. اکنون که تمام نهاده‌ها و قوا یکدست شده‌اند، اصلاح‌طلبان باید تمام آنچه در نهاد قدرت می‌گذرد و تمام عملکردها و تصمیم‌ها را رصد کنند و بدون هرگونه حب‌وقبض، تحلیل و برداشت خود را به جامعه ارائه دهند. البته به نظر می‌رسد که یکدستی قوا برخلاف تصور رایج محدود به پیروزی در انتخابات است و چنین نگاه مطلق‌اندیشانه‌ای باعث شده است که پیوند ایشان با جامعه کمرنگ شود. لازم است اصلاح‌طلبان در پی ظرفیت‌سازی باشند و در شرایطی که راه بر

سیاست

گفت‌وگو با آذر منصوری

پایان عصر سیاست‌ورزی نیابتی

انتخابات ۱۴۰۰ نقطه عطفی برای اصلاح‌طلبان بود



آذر منصوری

ادامه دارد و دبیرخانه شهید درحال جمع‌آوری دیدگاه‌هاست.

۱ یکی از موضوعاتی که خاصه از زمان انتخابات مجلس در سال ۹۸ و عدم اقبال عمومی به انتخابات پدید آمد، جایگاه لیدری در جریان اصلاحات است. به‌هرحال همه دیدیم که سخن آقای خاتمی در سه انتخابات ۹۲، ۹۴ و ۹۶ و تکرارهای او سرنوشت انتخابات را تحت‌تأثیر گسترده قرار داد اما در دو انتخابات اخیر او دیگر دارای نفوذ کلام سابق نبود. آیا آقای خاتمی در مسیر راهبری جبهه اصلاحات نقشی تازه ایفا خواهد کرد و همچنان لیدری در اصلاحات بر عهده آقای خاتمی خواهد بود و تمام تصمیمات جمعی در جبهه اصلاحات باید بعد از این هم به تأیید ایشان برسد یا آنکه به سمت تغییر لیدری شخص‌محور به لیدری جمع نخبگانی می‌رویم؟

من با شناختی که از آقای خاتمی دارم، ایشان هیچ‌گاه اصرار بر «تکرار» در انتخابات نداشته و نظرش این بوده است که نهاد اصلاحات باید بتواند جایگاه لیدری را در خود احیا یا پیدا کند و ایشان همواره تأکید کرده است که لیدری در اصلاحات نباید قائم به شخص باشد. آقای خاتمی چه در زمان شورای عالی سیاست‌گذاری و چه جبهه اصلاحات ایران نظرش این بوده است که لیدری اصلاحات باید بتواند ساختار خودش را پیدا کند و در تمام نهاد‌های اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان هم سعی شد که نقایص سابق اصلاح شود و جبهه به‌گونه‌ای احیا و بازسازی شود که نقدهای سابق از میان برود اما باوجود تمام تلاش‌هایی که انجام شد، با مشاهده آنچه در دو انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ رقم خورد، می‌توان گفت اصلاحات همچنان از فقدان رهبری سازمان‌یافته و نه قائم به فرد برای اخذ تصمیمات مهم تشکیلاتی رنج می‌برد. دلیل هم تحلیل متفاوتی است که در مجموعه اصلاحات وجود دارد. دلیل دوم هم جایگاه احزاب در ایران است که کارکرد واقعی خود را ایفا نمی‌کنند.

۲ اخیراً خبری منتشر شده مبنی بر احتمال تشکیل اتاق فکری با حضور آقایان خاتمی، ناطق، لاریجانی و روحانی. این‌ خبر چقدر صحت داشت؟

جریان اصلاحات دارای وجوه مشترک گفت‌مانی میان احزابش است و اگر وجوه اشتراکی وجود نداشته باشد، اساساً فلسفه تشکیل و ادامه نهاد جمعی زیر سؤال می‌رود. تا اینجا کار اختلافی که شما به آن اشاره کردید، تنها در حد ایده و طرح است و هیچ اقدامی برای اینکه بتواند این ائتلاف گسترده را ایجاد کند، رخ نداده اما اکنون این مسئله هم مطرح است که با توجه به انتخابات ۱۴۰۰ و محدودیت‌هایی که بر سر راه اصلاح‌طلبان قرار گرفت، آیا باز هم می‌شود با افراد و گروه‌هایی خارج از دایره اصلاحات به توافق برسیم یا خیر؟ ایده‌هایی وجود دارد اما هنوز این ایده‌ها محقق نشده است.

۳ نظر خود شما فارغ از سستی که در جبهه اصلاحات دارید و به‌عنوان یک فعال سیاسی چیست؟ آیا هنوز ائتلاف با اصولگرایان مایه‌رو می‌تواند برای جبهه اصلاحات مفید باشد؟ در همه دنیا بر مبنای موضوعات مختلف، جریان‌های سیاسی می‌توانند به اتفاق نظر برسند و اعلام موضع کنند. این شرایط، یعنی توافق بر سر یک موضوع خاص، متفاوت است از اخذ تصمیم تشکیلاتی و ارائه لیست‌های انتخاباتی که منجر به تأثیرگذاری بر مناسبات قدرت می‌شود. در سال‌های ۹۲ و ۹۴ اصلاح‌طلبان به تصمیمی رسیدند که بودن دولت روحانی بهتر از نبودنش است؛ زیرا در آن شرایط با توجه به امکاناتی که وجود داشت، این تصمیم گرفته شد. در انتخابات مجلس ۹۴ نیز همین استدلال حاکم است و می‌بینیم که وجود مجلس دهم بهتر از مجلسی مانند مجلس فعلی بود؛ اما مشکل زمانی ایجاد شد که برای برخی این سیاست مقطعی به یک سیاست نهادینه تبدیل شد و سیاست‌ورزی نیابتی انکار به یک سیاست ثابت بدل شد و حتی فعالیت احزاب اصلاح‌طلب و جایگاه جبهه اصلاحات را هم تحت تأثیر قرار داد. تحلیل‌های مختلفی درباره تصمیم اصلاحات در سال‌های گذشته مبنی بر حمایت از نامزد و

سیاست

گفت‌وگو با آذر منصوری

نامزدهای نیابتی وجود دارد؛ اما آنچه می‌شود به‌صراحت گفت، این است که سیاست حمایت از نامزد نیابتی، در سال‌۹۶ به پایان راه خود رسید و دیدیم که نوع عملکرد دولت آقای روحانی در دوره دوم، یعنی از سال ۹۶ به این سو، باعث ریزش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان شد. البته نباید از نظر دور داشت که خروج ترامپ از برجام، برای دولت دوم روحانی بسیار آسیب‌زا بود و فشار تندروها را در داخل نیز بر این دولت چند برابر کرد. به هر حال به نظر من انتخابات ۱۴۰۰ نقطه‌عطفی برای اصلاح‌طلبان بود که دیگر نمی‌توان بر سر حمایت از نامزد نیابتی به جمع‌بندی رسید. البته همچنان بر سر وجوه این موضوع بحث ادامه دارد؛ اما به نظر من نتیجه انتخابات اخیر باعث می‌شود دیگر مجموع اصلاح‌طلبان مجاب به تکرار حمایت از نامزدهای غیراصلاح‌طلب نشوند.

۴ خانم منصوری، همان‌طور که در ابتدای بحث هم اشاره کردید، نگاه شما در دوگانه حضور در قدرت یا بازگشت به جامعه، به سمت جامعه است و البته حزب اتحاد ملت هم همین نگاه را دارد. اگر بپذیریم سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان کاهش شدید یافته است و برای احیای آن باید به جامعه بازگشت، اصلاح‌طلبان باید به کدام جامعه و با چه رویکردی بازگردند؟ سخن از ضرورت احیای اعتماد عمومی به اصلاحات بسیار رفته است، ولی دقیقاً سازوکار اجرایی‌کردن این موضوع چیست؟

یکی از علت‌های کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، این است که برخی بر این باور دامن زدند که کلاً حضور در قدرت هم اصل است و هم هدف؛ یعنی اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت می‌کنند که در قدرت حضور داشته باشند و برای پیروزی در انتخابات هم هر کاری می‌کنند و با نیروهای خودشان و اگر نشد با هر نیروی دیگری ولو غیراصلاح‌طلبان، در انتخابات حاضر می‌شوند. هنگامی هم که نامزدهای نیابتی نتوانستند یا نتوانستند مطالبات اصلاح‌طلبانه را برآورده کنند و از تأمین مطالبات عمومی نیز عاجز مانندند، این شائبه به وجود می‌آید که سامانه‌های جمعی اصلاح‌طلبان منجر به فرصت‌طلبی‌ها و البته فرصت‌سوزی‌ها می‌شود. دست‌کم جمع‌بندی نسبی حزب اتحاد این است که اگر اصلاح‌طلبان بخواهند به هر قیمتی در قدرت حضور داشته باشند، عملاً از اصل اصلاحات جامعه‌محور دور شده‌اند. هیچ جریانی نمی‌تواند منکر اهمیت انتخابات باشد و انتخابات، بهار سیاست‌ورزی است و هیچ جریانی هم به انتخابات بی‌تفاوت نیست؛ اما باید از انتخابات به‌عنوان یک فرصت برای سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه استفاده کرد، نه حضور در قدرت به هر قیمت. از سوی دیگر، اگر احزاب اصلاح‌طلب نتوانند ارتباط خود را با گروه‌های اجتماعی تعمیق کنند و مطالبات آنها در دک و گفت‌مان تشکیلاتی خود را بر اساس مطالبات مردم تنظیم کنند، بازگشت به جامعه در حد حرف باقی می‌ماند و اصلاح‌طلبان دیگر نمی‌توانند در فضای سیاسی جریان‌ساز باشند.

همین دلیل است که وقتی اصلاح‌طلبان نامزد یا نامزدهای خود را به قدرت انتخاب می‌کنند، باید در فضای سیاسی جریان‌ساز باز باشند. در این شرایط لازم است که وقتی اصلاح‌طلبان نامزد یا نامزدهای شایسته خود را که مورد توجه مردم نیز قرار دارند، در انتخابات نداشته باشند، نباید به وضع داشته باشند. علاوه بر این، اصلاح‌طلبان باید ضمن نقد وضع موجود، شیوه حکمرانی مورد پسند خود را ارائه داده و به جامعه اطمینان دهند که همه این کتشرگی‌ها، نه صرفاً برای حضور در قدرت، بلکه برای اصلاح امور است تا در آن صورت بتوانند اعتماد عمومی را به دست بیاورند.

۵ اگر همه اینها نشد، اصلاحات بار دیگر مورد پذیرش مردم قرار گرفت و راه برای حضور دوباره اصلاح‌طلبان در سیاست‌ورزی رسمی فراهم نشد، فردای اصلاحات چگونه می‌شود؟ به کدام سمت می‌رویم؟

من فکر می‌کنم اصلاحات مرز ماندگی و پیشگیری از ازهم‌گسیختگی یک جامعه است. انتخابات ۹۸ هم این‌ حرف را زدم و تأکید کردم ما باید بر اصلاح روش‌های حکمرانی در کشور اصرار کنیم که اتفاقاً اصرار بر این موضوع بزرگ‌ترین کمک به حکمرانی در کشور، حفظ تمامیت ارضی و حفظ همبستگی اجتماعی است. جامعه‌ای که امید خود را از دست دهد، دیگر هیچ چیز برایش مهم نیست. اساساً راز ماندگی یک جامعه، امید است و امید هم به وجود نمی‌آید مگر با اصلاحات. اگر اصلاحات از جامعه رخت برندند و سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه نتواند به بقای خود ادامه دهد، شرایط بسیار بغرنج می‌شود و در کوتاه‌مدت شکاف‌ها و گسست‌های بیشتری میان مردم و تصمیم‌سازان به وجود می‌آید و در بلندمدت ازهم‌گسیختگی اجتماعی پدیدار می‌شود. در نهایت می‌توان گفت فردای بعد از اصلاحات بسیار نگران‌کننده خواهد بود.

سیاست

گفت‌وگو با آذر منصوری

روزنه

یک نماینده:مجلس امکان حذف قید محرمانگی را ندارد

ماجرای بلاتکلیفی محرمانگی اموال مسئولان

● تقصیر مجلس قبلی است، تقصیر شورای نگهبان است، تقصیر مجمع تشخیص مصلحت نظام است، تقصیر اصلاح‌طلبان است؛ با گذشت کمتر از یک هفته از جنجال محرمانگی و امنیتی‌خواندن اعلام اموال مسئولان بر مبنای یکی از بندهای مصوبه کمیسیون قضائی مجلس، حاشیه‌ها همچنان ادامه دارد. مجلسیان به دنبال رفع اتهام از خود هستند. شورای نگهبان هم می‌گوید نظرش را بعد از تصویب این مصوبه در صحن مجلس اعلام می‌کند. رسانه‌های اصولگرا نیز مدعی شده‌اند این دروغی است که اصلاح‌طلبان به مجلس یازدهم بسته‌اند. خبرگزاری فارس در گزارشی با اشاره به تیتربسیستم مهرماه روزنامه «شرق» با عنوان «مهر تأیید اصولگرایان بر مصوبه مجمع تشخیص»، نوشته است اصلاح‌طلبان پیرو این گزارش «شرق»، چند روزی است بر این سوت می‌دمند که اصولگرایان اعلام اموال مسئولان را محرمانه و امنیتی کرده‌اند، درحالی‌که هیچ‌کدامشان به این اشاره نمی‌کنند که دقیقاً کدام مصوبه و تصمیم مجلس و حتی کدام اظهارنظر یکی از نمایندگان مجلس دلالت بر این دارد که مجلس اعلام اموال مسئولان را محرمانه کرده یا می‌کند. خبرگزاری فارس عمادانه نقل‌قول صریح و مستقیم عضو کمیسیون قضائی مجلس را که با اشاره به یکی از بندهای مصوبه این کمیسیون بر محرمانگی انتشار اموال مسئولان مهر تأیید زده است، نادیده می‌گیرد. حسن نوروزی، نایب‌رئیس کمیسیون قضائی مجلس و نماینده رباطکریم و بهارستان در مجلس اصولگرایان، به‌صراحت گفته است: «بر اساس تبصره ماده ۳ مصوبه این کمیسیون، اطلاعات اموال مسئولان در سامانه به‌طور کامل محرمانه بوده و به‌هیچ‌وجه نباید منتشر شود و باید در حفظ و نگهداری آن دقت کامل شود».

رسانه‌های اصولگرا ترجیح می‌دهند از این گفته نماینده اصولگرا به‌راحتی رد شوند و همه چیز را به «فضاسازی روانی و تبلیغاتی علیه دولت و مجلس انقلابی» محدود کنند و از عباراتی «شاناز، سفسطه و مغالطه رسانه‌ای» استفاده کنند؛ روزنامه کیهان نوشته بود، خلا سعی در برانگیزویی از مجلس فعلی دارد و در گزارشی ترجیح داده کاسه‌وکوزه‌ها را بر سر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، رئیس وقت مجمع با یک حق رای در برابر دیدگان اعضای مجمع بشکند و بنویسد: «برخی نمایندگان و رسانه‌ها درباره این موضوع اطلاع‌رسانی کرده و برای افکار عمومی توضیح دادند که محرمانه‌شدن اموال مسئولان مصوبه مجمع تشخیص زمان مرحوم هاشمی بوده و ربطی به مجلس یازدهم ندارد...».

مخالف‌بودیم

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان، روز گذشته در نشست خبری گفته مجلس هم‌اکنون در حال اصلاح موادی از قانون رسیدگی به اموال و دارایی‌های مقامات است که البته در این رابطه متن جدیدی به تصویب مجلس نرسیده و بحث‌هایی مطرح است، صرفاً در واکنش به مصوبات اخیر کمیسیون‌های مجلس است. طحان‌نظیف در ادامه یادآور شده که در حال حاضر، قانون حاکم در این رابطه قانون مجمع تشخیص است و باید دید آیا در مجلس چنین مصوبه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد یا خیر تا پس از تصویب، شورای نگهبان نیز نظر خود را نسبت به این مصوبه اعلام کند. طحان‌نظیف گفته است: در مقطع گذشته نظر اعضای شورای نگهبان این بود که مصوبه وقت مجلس خلاف قانون اساسی است که با توجه به تغییراتی که در اعضای شورا در این سال‌ها صورت گرفته، احتمال دارد نظر شورا نیز تغییراتی داشته باشد. به هر حال این مجلس باید در این رابطه مصوبه‌ای داشته باشد تا پس از آن شورای نگهبان نظر خود را اعلام کند.

مجلس امکان تغییر بند محرمانگی را ندارد!

علی خضریان، نماینده تهران نیز در یک یادداشت با اشاره به اینکه قانون اساسی رسیدگی به اموال برخی از مسئولان حاکمیتی، پس از سه سال مسکوت‌ماندن آن در آبان سال ۱۳۹۴ این مصوبه و مجلس با اصلاحاتی همچون افزودن قید محرمانگی به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و متأسفانه با مسکوت‌ماندن آن در قوه قضائیه، در نهایت آیین‌نامه اجرایی این قانون به‌منظور اجرا در خرداد سال ۱۳۹۸ از سوی ریاست قوه قضائیه ابلاغ شد، نوشته است: «اکنون نیز طرح نظارت بر مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مجلس و در کمیسیون حقوقی قضائی در حال بررسی است تا تطبیق اموال و دارایی‌های مسئولان، صرفاً به خواص‌اطهار مقامات محدود نشود و از مسیری‌های متعدد دیگری این اطلاعات اخذ نشود. ضمن اینکه این طرح اکنون در حال رسیدگی و بررسی در کمیسیون تخصصی است و مواد آن هنوز به‌طور کامل تصویب نشده و پس از تصویب و نهایی‌شدن، به صحن علنی برای بررسی ارسال خواهد شد که در آنجا نیز بر اساس پیشنهادهای نمایندگان امکان اصلاح و تغییر وجود دارد». خضریان نوشته: «بر اساس تفسیر حقوقی شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی در یک بازه زمانی مشخص و طولانی، حق اصلاح یا تغییر مواردی را که مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوبات قبلی مجلس اضافه می‌کند، ندارد.

ادامه در صفحه ۳